

## ترجمه قرآن مجید

### بقلم آقای ابوالقاسم پاینده

۲۶ - در ذیل صفحه ( ۱۷۳ ) آیه شریفه : « یوم ندعوا کل اناس بامامهم .. الخ » چنین ترجمه شده است ، « روزی که هر گروهی را به پیشوایشان **میخوانند** .. » و اشتباه در این ترجمه آنست که ضمیر متکلم در « ندعو » به ضمیر غایب گرفته شده و بجای اینکه بگویند ، « **میخوانیم** » یا « **بخوانیم** » گفته اند « **میخوانند** » . با اینکه در طبع جدید روی همین آیه و همین کلمه ایستادگی و تدقیق و امان نظر شده و لفظ « **میخوانند** » را که در طبع نخستین بوده است به لفظ « **بخوانند** » تبدیل و تصحیح کرده اند در عین حال بخیط و خطای شگفت آور مورد بحث التفات نکرده و بدان برنخورده اند !

۲۷ - واز همین سنخ اغلاط شگفت انگیز است ترجمه ای که در سطر ۸ صفحه ( ۱۷۸ ) از عبارت ، « ولا یشرك فی حکمه احداً » نموده نوشته اند ، « و هیچکس در فرماندادن وی شریک نیست » زیرا چنانکه مشهود است کلمه « **احداً** » را که « **مفعول صریح** » فعل متعدی « **لا یشرك** » است و علامت **نصب** آن نیز ظاهر میباشد ، فاعل تلقی کرده و از فاعل حقیقی که ذات باری تعالی و تقدس است غفلت نموده اند .

۲۸ - در ذیل صفحه ( ۱۸۱ ) ضمن ترجمه آیه شریفه « واما الغلام فکان ابواء مؤمنین فخشینا ان یرهقهما طغیاناً و کفراً » کلمه « **فخشینا** » را که متکلم مع النبر است متکلم وحده شمرده و « **قرسیلم** » ترجمه کرده اند .

۲۹ - و نیز در همین صفحه و در ترجمه آیه بمداز همین آیه کلمه ، « **فاردنا** » از عبارت ، « **فاردنا ان یدلها ربها خیراً منه ..** » باتعمیر « **وخواستیم** » ترجمه شده و همان غفلت و اشتباه مذکور در یادداشت قبل تکرار گردیده است !

تذکار - هر یک از این دو فقره اشتباه مذکور در ماده فوق خلل معنوی دیگری هم در بردارد که نباید از آن غفلت داشت و آن این است که عبودیت محضه « **عبد صالح** » که این هر دو گفتار یعنی قوله تعالی ، « **فخشینا ان یرهقهما ..** » و « **فاردنا ان یدلها ..** » منسوب باوست اقتضا ندارد که آنچنان اعمال و افعالی را بشخص خود نسبت دهد و حال آنکه ترجمه مزبور همین نسبت را باوداده است .

۳۰ و ۲۹ و ۳۲ - در ذیل صفحه ۱۸۸ ضمن ترجمه آیه شریفه ، « فاتباه فقولاً انا رسولا ربك فارسل معنا بنی اسرائیل ولا تمنبهم قد جثناك بآیه من ربك ... الخ » سه فقره از این نوع غلط و غفلت یشت سرهم روی داده و آیه شریفه باین عبارت ترجمه شده است ،

« **بیش وی رفتند و گفتند** ، ما دوینمبر پروردگار توئیم ، یسران اسرائیل را با ما فرست و عذابشان مکن ، از پروردگارت معجزه ای سوی تو **آورده ام** .. الخ » . در این ترجمه چنانکه

ملاحظه میفرمائید دو صیغه «ایتیا» و «قولا» که مردو (تثنية امر حاضر) از دو مصدر «اتیان» و «قول» میباشند به «جمع» یا «تثنية» فعل ماضی تلقی شده و به «رفتند» و «گفتند» ترجمه گردیده است و فعل «جئنا» در عبارت «قد جئناك بأية» که (جمع متکلم) و باصطلاح «متکلم مع الغیر» است «متکلم وحده» گرفته شده و «آوردهام» معنی شده است!

۳۳ - واز همین نمونه است غفلی که در ترجمه آیه شریفه: «لوما تأتینا بالملئکه ان کنت من الصادقین» واقع در صفحه ۱۵۷ روی نموده و ترجمه آن باین عبارت آمده است: «اگر راست میگوئی چرا فرشتگان بما نازل نمیشوند» و باید باسبک مترجم بر این تقریب ترجمه میشد: اگر راست میگوئی چرا فرشتگان را برای ما نمی آوری، و عبارت دیگر فعل «تأتی» واقع در عبارت «تأتینا بالملئکه» مفرد مخاطب مذکر است نه مفرد مغایب مؤنث و فاعل آن ضمیر لازم الاستمرار خطاب است نه «ملئکه» و فعل مزبور بکومک حرف جرّ «باء» در عبارت مورد بحث «متعلی» استعمال شده است نه لازم چنانکه عبارت ترجمه حکایت میکند (۱).

۳۴ - در سطر اول از صفحه (۱۹۰) ضمن ترجمه آیه شریفه «قال آمتمم له قبل ان آذن لکم ... کلمه «آذن» که متکلم وحده است بصورت متکلم مع الغیر در آمده و عبارت «قبل ان آذن لکم» چنین ترجمه شده است: «پیش از آنکه اجازه تان دهیم».

۳۵ - در صفحه (۱۹۱) سطر ۵/ فعل جمع «قالوا» از عبارت: «فقالوا هذا الهکم واله موسی ... باهمه شواهد بارز و مستمری که بر (جمع) بودن در بردارد (مفرد) تلقی گشته و «گفت» ترجمه شده است.

۳۶ - و نیز در همین صفحه (سطر ۲۱) فعل مفرد مخاطب مجهول «لن تخلفه» از آیه شریفه «قال فاذهب فان لك في الحيوة ان تقول لامساس وان لك موعداً لن تخلفه ..» بصورت جمع مغایب معلوم یعنی: «هرگز از آن تخلف نکنند» ترجمه شده است.

۳۷ - و باز در همین صفحه سطر ۲۶، فعل «نقص» واقع در آیه شریفه «كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق ..» که متکلم مع الغیر است بصورت و معنای متکلم وحده اصنی «بر تو میخوانم» ترجمه گردیده است.

۳۸ - در صفحه (۱۹۴) در ترجمه آیه شریفه: «ام اتخذوا آلهة من الارض هم ينشرون» گفته شده است: «مگر از زمین خدایانی گرفته اید که حیات دوباره میدهند» و ناگفته پیداست که در این ترجمه فعل جمع مغایب «اتخذوا» جمع مخاطب گرفته شده است.

۳۹ - در صفحه (۱۹۵) سطر ۲ عبارت «ان تمیدبهم» واقع در آیه شریفه «وجعلنا فی الارض رواسی ان تمیدبهم ..» باین صورت معنی شده است: «که نلرزاند تان» و عبارت دیگر ضمیر جمع مغایب بارز «هم» بضمیر جمع مخاطب «تان» ترجمه و تبدیل شده است.

۴۰ - ایضاً در همین صفحه سطر ۱۱ ضمیر جمع مخاطب بارز در «الهمتکم» از قول خدای تعالی: «اهذا الذی ینذکر الهمتکم ..» بصورت ضمیر جمع مغایب در آمده و در ترجمه عبارت آیه شریفه نوشته اند: «همیست که خدایان شان را [بزشتی] یاد میکنند؟» (۲)

(۱) این یادداشت بر حسب ترتیب باید مقدم بر یادداشت شماره (۲۰) ثبت میشد. فرزانه

(۲) این غلط در طبع دوم اصلاح شده است. فرزانه

۴۱ - و نیز در همین صفحه سطر ۱۴ عبارت « ان کنتم صادقین » از آیه شریفه « و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین » چنین ترجمه شده است : « اگر راست میگوئی » ، و هر دو علامت جمع « تم » در « کنتم » و « یاء » و « نون » در « صادقین » نادیده مانده است .

۴۲ - و باز در همین صفحه سطر ۱۶ غفلت و غلطی از نوع دیگر میبایم که شکفتی در آن کمتر از ماسبق نیست باین اجمال که در ترجمه عبارت : « لایکفون عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم » نوشته شده است : « که آتش را از چهره های خویش و پیشانیهای خویش باز نتوانند داشت » و در این ترجمه چنانکه مشهود است کلمه « ظهور » که جمع « ظهر » و بمعنی « پشتها » است « پیشانیها » معنی شده است .

۴۳ - در صفحه ( ۱۹۶ ) سطر ۵ ( از باین صفحه ) کلمه « تعبدون » واقع در آیه شریفه « افلکم ولما تعبدون من دون الله . . » که البته جمع مخاطب میباشد بعبارت « می پرستند » یعنی بصیغه جمع مفایب ترجمه شده است و این اشتباه را در طبع دوم رفع کرده اند .

۴۴ - در سطر آخر از صفحه ( ۱۹۸ ) ضمن ترجمه آیه شریفه : « قل انما یوحی الی آما الهکم اله واحد فهل انتم مسلمون » عبارت : « الهکم » به « خدای من » ترجمه شده است .

۴۵ - در سطر ۷ صفحه ( ۱۹۹ ) ضمن ترجمه آخرین آیه از سوره مبارکه ( انبیاء ) فعل جمع مخاطب « تصفون » بصورت جمع مفایب اعنی « حکایت میکنید » ترجمه گردیده است . ( ۱ )

۴۶ - در صفحه ( ۲۰۰ ) سطر ۲۶ عبارت : « ومن یهن الله » واقع در آیه شریفه « الم تر ان الله یسجد لمن فی السموات و من فی الارض . . » الی قوله تعالی : « و من یهن الله فماله من مکرم » چنین ترجمه شده است : « هر که خدا را خوار کند » و غفلت در این ترجمه نه تنها از این جهة است که لفظ « الله » را با علامت رفع آشکاری که دارد و « فاعل » بودنش را بوضوح نشان میدهد « مفعول به » میگیرد بلکه خط عمده در این است که « اهانت » را والعیاذ بالله بر ذوات مقدس الهی روا میدارد !

۴۷ - و در شمار همین نوع است خطا و غفلتی که در سطر ۶ صفحه ( ۲۰۳ ) در ترجمه قول خدای تعالی : « والی المصیر » روی داده و ترجمه من بورا باین عبارت رانده است : « و سر انجام بسوی اوست » .

۴۸ - در صفحه ( ۲۰۲ ) سطر ۱۰ ضمن ترجمه آیه شریفه : « لن ینال الله لجهنمها و لادمانها » الی قوله تعالی : « كذلك سخرها لکم . . » عبارت « سخرها لکم » باین صورت معنی شده است : « حیوانات را بخدمت شما گرفتیم » و در این ترجمه آنچه فعلا مورد نظر انتقاد است تعبیر مترجم است از صیغه مفرد مفایب « سخر » به جمع متکلم « بخدمت . . گرفتیم » .

۴۹ - در صفحه ( ۲۰۷ ) سطر ۲۱ و ۲۲ آیه شریفه : « و لقد آتینا موسی الكتاب لعلهم یهتدون » چنین ترجمه شده است : « و موسی آن کتاب دادیم شاید هدایت « یابید » و در این ترجمه فعل جمع مفایب « یهتدون » با تائیدی که ضمیر جمع مفایب بارز در « لعلهم » از مفایب بودن آن مینماید به جمع مخاطب تعبیر و تفسیر شده است .

۵۰ و ۵۱ - در صفحه ( ۲۰۹ ) ضمن ترجمه هر یک از دو آیه ۱۱۲ و ۱۱۳ سوره مبارکه

( ۱ ) این غلط نیز در طبع دوم تصحیح شده است . فرزاد

(مؤمنون) يك نوع خبط وخطای ضعیف دیده میشود باین معنی که کلمه «قال» در هر دو عبارت ، « قال کم لبثتم فی الارض» و « قال ان لبثتم الاقلیلا» بعبارت . «بگو» یعنی بصورت (امر حاضر) ترجمه شده است وظاهراً منشأ خطا این است که در رسم الخط قرآن مورد ترجمه ، (الف) واقع در حشو کلمه غالباً (منفصل) ودر فوق حرف بصورت الف کوتاهی نوشته میشود وبر همین رسم الخط کلمه «قال» نیز در هر دو مورد مذکور فوق به این صورت ، «قل» نوشته شده و مترجم را بیچنان خطائی دچار ساخته است ؛ والله الهادی الی الصواب .

۵۲ - در صفحه (۲۱۰) سطر ۱۱ ضمن ترجمه اولین آیه از سوره مبارکه نور عبارت ، «لمکم قد کرون» چنین معنی شده است ؛ « شاید آنها اندر ز همگیرند ! » و شگفتی در این است که نه ضمیر بارز مخاطب « کم» در «لمکم» و نه ضمیر مستقر خطاب در «تد کرون» و نه هم « تا» مضارعت که علامت خطاب در صیغه مزبور است هیچکدام مانع از ذمول و غفلت مترجم فاضل نشده و آن هر دو ضمیر بارز و مستتر خطاب را ضمیر غایب تلقی و ترجمه کرده است !

۵۳ - در ذیل صفحه ۲۱۲ و صدر صفحه ۲۱۳ آیه شریفه « ولقد انزلنا الیکم آیات ینتاز و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظة للمتقین» ، باین صورت ترجمه شده است ؛ « ما آیه های روشن بامثلی از آنکسان که پیش از شما بوده اند (یا کذا) پندی برای پرهیز گاران بتوانزل کردیم . و مخفی نیست که عبارت « بتوانزل کردیم » ترجمه قول خدای تعالی ؛ « ولقد انزلنا الیکم » میباشد و قیامیه .

۵۴ - در صفحه (۲۱۷) سطر ۱۱ ضمن ترجمه آیه شریفه ؛ « فقد کذبوکم بما تقولون فماستطیعون صرفاً ولا نصراً . . . » فعل جمع مخاطب « ماستطیعون» بصورت و معنای جمع مفایب ترجمه شده و نوشته اند ؛ « وقدرت دفع عذاب و نصرتی فد ارفند ! »

۵۵ - در صفحه ۲۲۶ سطر ۹ و ۸ در ترجمه آیه شریفه ؛ « الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا الله کثیراً و اتصروا من بعد ما ظلموا . . الخ» عبارت « ماظلموا» بصورت « آن ستم که دیده اید» ترجمه شده و نظری که فعلاً در ترجمه این آیه هست غفلتی است که مترجم را درباره همین عبارت روی داده و جمع مفایب را به جمع مخاطب گرفته است .

۵۶ - در صفحه ۲۲۷ ضمن ترجمه آیه شریفه ؛ « الا یسجدوا لله الذی ینخرج الغیب فی السموات و الارض و ینعلم ما تخفون و ما تملنون» دو فعل متوالی « ما تخفون» و « ما تملنون» را که هر دو جمع مخاطب اند بصورت جمع مفایب ترجمه کرده و نوشته اند ؛ « و آنچه را نهان میکنند و آنچه را عیان میکنند» !

۵۷ - در صفحه ۲۲۹ سطر ۳۰ در ترجمه عبارت قرآنی « قلیلاً ما تد کرون» گفته شده است ؛ « اندر ز یکدیگر همگیرند بسیار اندک است» و در طبع دوم این غفلت تدارک شده است .

۵۸ - در صفحه ۲۳۶ سطر ۱۳ ضمن ترجمه آیه شریفه ؛ « و نزعنا من کل امة شهیداً قلنا هاتوا برهانکم فعملوا ان الحق لله . . . » کلمه « عملوا» که جمع غایب از فعل ماضی است جمع امر حاضر گرفته شده و بعبارت « بدانید» ترجمه گردیده است !

تذکره : در صفحه ۲۳۹ سطر ۱۴ بجای ترجمه عبارت شریفه قرآنی « آ انکم لتأتون الرجال» نوشته شده است . « شما بامردان میامیزند» ولی تردیدی نیست که این غلط مطبعه ای است و نه اشتباه و غفلت در ترجمه ، بلی در حذف معنای حرف استفهام «أ» جای تردید هست که آیا مبنی

برسبک خاصی است که مترجم در این ترجمه اتخاذ کرده است. و یاد آن باره هم اشتباه و غفلتی روی داده است؟

۵۹ - در صفحه ۲۴۰ سطر ۲ عبارت قرآنی « **كانوا مستبصرين** » چنین ترجمه شده است: « واهل بصیرت نبودند » و تعجب در این است که در طبع دوم کتاب هم بادقتی که در تجدید نظر کرده‌اند این اشتباه عجیب بر حالش باقی مانده است!

۶۰ - در صفحه ۲۴۱ سطر ۱۳ عبارت « **ثم الينا ترجعون** » واقع در آیه شریفه: « كل نفس ذائقة الموت ثم الينا ترجعون » چنین ترجمه شده است: « آنگاه سوی ما باز گشت میبایند » و در این ترجمه نیز چنانکه مشهود است صیغه جمع مخاطب به جمع مغایب گرفته شده است.

۶۱ - از اعجاب عجایب در باب غفلت و اشتباه و خط و خطا ترجمه‌ای است که در صفحه ۲۴۳ سطر ۱۰ از عبارت: « ان في ذلك لآيات للعالمين » شده و نوشته‌اند: « که در این برای جهانیان عبرتی هست » و التقات بکسره لام در کلمه « عالمین » و مفاد آیه شریفه و ترجمه و تفسیر همه مفسرین و مترجمین نکرده‌اند!

۶۲ - و از همین باب است خطای در ترجمه آیه شریفه: « ليكفروا بما آتيناكم فتمتعوا فسوف تعلمون » واقع در سطر ۴۰۵ صفحه ۲۴۴ که نوشته است: « [بگدار] بنعمتهائی که بآنها داده‌ایم کفران کنند و خوش باشند بزودی خواهید دانست » و صیغه جمع امر حاضر « **تمتعوا** » را به جمع غایب ماضی گرفته و « **خوش باشم** » ترجمه کرده‌اند و کلمه « بگدار » را هم بصورت مزبور فوق بین دو قلاب برای تثبیت بمعنائی که اختیار کرده‌اند گذارده‌اند!

۶۳ - در صفحه ۲۴۶ سطر ۲۸ و ۲۹ عبارت: « **فانبشکم بما کنتم تعملون** » واقع در آیه شریفه « وان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم . . . الی قوله تعالی: « **ثم الی مرجعکم فانبشکم بما کنتم تعملون** » چنین ترجمه شده است: « و از اعمالی که میکردید خبرتان میدهیم » و در این ترجمه چنانکه مشهود است صیغه متکلم وحده « **انبشکم** » به متکلم مع الغیر « خبرتان میدهیم » گرفته شده است!

۶۴ - در صفحه ۲۴۷ سطر ۱۵ جمله « **الینا مرجعهم** » از آیه شریفه « و من کفر فلا یجزئک کفره الینا مرجعهم . . الخ » بصورت « بازگشتشان سوی من است » معنی شده و ضمیر متکلم مع الغیر در « **الینا** » بجای متکلم وحده گرفته شده است!

۶۵ - در صفحه ۲۵۲ سطر ۱۷ ضمن ترجمه آیه شریفه: « و من یقتل منکن الله ورسوله و عمل صالحاً نؤتها اجرها مرتین و اعتدنا لها رزقاً کریماً » ضمیر مفرد مؤنث مغایب بارز در « **لها** » از جمله « و اعتدنا لها » ضمیر جمع مخاطب گرفته شده و عبارت « و اعتدنا لها رزقاً کریماً » باین صورت معنی گردیده است: « و برای شما روزی سخاوتمندانه مهیا کرده‌ایم »!

۶۶ - در صفحه ۲۵۳ سطر ۵ از یائین صفحه عبارت « **تعتدونها** » از جمله: « **فما لکم علیهن من عدة تعتدونها** » واقع در آیه شریفه: « **یا ایها الذین آمنوا اذا نکتتم المؤمنات . . الخ** » چنین ترجمه شده است: « که نگهدارند »، و غفلت چنانکه ملاحظه میفرمائید در این است که صیغه « **تعتدون** » که جمع مخاطب مذکر از فعل مضارع از مصدر « **اعتدا** » است بجای جمع مغایب مؤنث گرفته و ترجمه شده است!